

داعش در دوره‌ای زوال یا تکثیر



با ثبت شکست‌هایی بزرگ برای داعش در عراق و سوریه خیلی‌ها می‌پرسند آیا این سازمان تروریستی مخوف در حال محو شدن است؟ البته نشانه‌ها به چنین سمت و سویی میل دارند. اما آیا این نشانه‌ها نیز درست بر آورد شده‌اند؟

به گزارش آران نیوز: حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق دو هفته پیش اعلام کرد شرق موصل کاملاً از شر وجود داعشی‌ها پاک شده است و نیروهای ضد داعشی در همه جبهه‌ها قدم‌های بلندی علیه آنها برداشته‌اند. در مساعی این نیروها طی سال پایان یافته 2016 شماری از سرکرده‌های ارشد داعش به هلاکت رسیدند یا به اسارت درآمدند و اندوخته‌های مالی داعش نیز که در سایه آن سلاح‌های پیشرفته می‌خریدند، رو به کاهش شدید گذاشته است. این‌ها ظاهراً به ما می‌گویند حتی اگر قدری هم طول بکشد، پایان حیات داعش نزدیک است. دو سناریو

دو سناریو برای ادامه حیات ولو کوچک‌تر- داعش متصور است. یکی اینکه با کم و حذف شدن زواید فقط جوخه‌ها و برنامه ریزان اصلی داعش باقی بمانند و چون بال پرواز ندارند تنها به حفظ خود بیندیشند و نه بسط این سازمان و دوم اینکه تغییر رویه بدهند و مرکز ثقل خود را در عراق و سوریه برجینند و به امثال افغانستان، لیبی و یمن کوچ کنند و از این طریق لشکرهای تعقیب‌کننده خود را فرسوده و نسبت به ادامه ماجراها دلسرد کنند و بعد از قدری تقویت خود از نو سر برآورند. این کار دوم را به‌گونه‌ای القاعده نیز که داعش را فرزند غیر رسمی آن می‌انگارند در دهه 2000 انجام داد و با محو شدن ظاهری در نقاط ردگیری شده‌اش در عراق و سوریه، در نقاطی مهجورتر در همین کشورها و کشورهای اطراف مستقر شد و کارش را از سر گرفت.

برخی تحلیلگران همانند کلینت واتس معتقدند، تنزل درجه داعش یک برد بالقوه و خوب برای نهضت‌های مبارزه‌کننده با تروریسم است و از این پس نمی‌توان همان تشکل سه چهار سال پیش را در داعش رؤیت کرد اما بعضی دیگر می‌گویند شاید این منشأ خیر نباشد و ماجراهای اخیر مقدمه‌ای بر تبدیل واحدهای بزرگ داعش به نهادهای کوچک‌تر و محدودتر اما ناشناخته‌تر و خطرناک‌تر است و چون ردگیری آنها سخت‌تر است، به تبع آن بهتر می‌توانند ضربات غافلگیرانه به مخالفان خود وارد کرده و امنیت را از اینجا یا آنجا سلب کنند و این بدان معنا است. که نه مرگ محتوم بلکه شاید نوعی دیگر از زیست در انتظارشان باشد که طی آن می‌توان نه با وسعت گذشته که به شماری فزون‌تر از سابق کارهای ایدایی انجام داد.

غافلگیری بزرگ

حتی اگر به سال‌های منتهی به فاجعه تروریستی 11 سپتامبر رجوع کنید، می‌بینید القاعده در آن ایام با وجود حضور و ابراز وجود مخلوق به ظاهر کم پیدایی بود که هر از چند گاه اسباب دردسر می‌شود اما هرگز توان انجام کارهای بزرگ را ندارد و وجود همین باور نادرست در غرب سبب شد آنها بتوانند در یک غافلگیری بزرگ آن ضربات مهلک را در نیویورک وارد کنند. این در شرایطی روی داد که امریکای خوش‌خیال و بازی خورده تصور می‌کرد بال و پر القاعده را چیده و آن را در موضع تدافعی صرف قرار داده است. درست است که پایگاه‌های القاعده در افغانستان و پاکستان تضعیف شد اما این سازمان توانست واحدها و نفراتش را به‌طور پنهانی در اینجا و آنجا بپراکند و تبدیل به یک نیروی مخوف‌تر در سایه شود.

بازوهای رسانه‌ای

برای تشخیص میزان کارایی داعش بعد از عقب نشینی‌های اخیرش باید به پوشش رسانه‌ای آنها نیز توجه کرد. یک مسأله و نیاز بزرگ برای داعش و نظایر آن فراهم و هموار بودن راه‌های ارتباطی‌اش بین واحدهای ذیربط همچنین سایر نهادهای تروریستی است. این کار توسط برخی افراد پنهانی مستقر در رسانه‌ها صورت می‌پذیرد که ظاهراً از اهالی کشورهای اروپایی و بدون پیشینه سوءکیفری هستند اما در واقع توسط داعش جذب شده و بازوهای رسانه‌ای آنها هستند. اضافه بر این سران داعش در حرکتی بی‌شرمانه‌تر به شکلی آشکار در حال آگهی‌گذاری روی خطوط اینترنت و نفرگیری از این طریق بوده‌اند و اینها هم مجاری و کانال‌هایی است که باید به روی داعش بسته شود و گرنه شکل‌های تازه‌حیات برای آنها پس از برچیده شدن هسته‌های قدرت آنان در سوریه و عراق آسان‌تر خواهد شد. فراموش نکنیم داعش بیش از 55 محصول انتشاراتی و واحدهای صدور بیانیه و بروشور دارد که کارشان تغذیه اطلاعاتی نیروهای مورد نظرش و قوت بخشیدن به تشکل‌ها و اتحادیه‌های زیر مجموعه خود است و با اینکه نیروهای مخالف آنان در ضربه زدن‌های میدانی به داعش از هر جهت موفق بوده‌اند اما کمتر به مصادیق و کانال‌های رسانه‌ای آنها توجه کرده‌اند، کانال‌هایی که حتی یک داعش نیم مرده را زنده و پویا جلوه می‌دهند و در این رسانه و آن رسانه معروف و بزرگ دنیا هم «آدم» دارند.

خود نمایی در قاره ولنگار

اگر همه شکست‌های اخیر داعش برای جامعه آزاد جهانی واقعه خوبی است تنزل نکردن این سازمان در جذب نفرات تازه و داوطلبان فریب‌خورده یک نقطه منفی برای مخالفان داعش و مبارزان راه امنیت جهانی به حساب می‌آید و خبر از خطرهای پنهان تازه و تدارک حرکت‌های ایدایی بعدی این نهاد در اینجا و آنجای جهان می‌دهد.

بسیاری می‌پرسند چرا حجم اعمال تروریستی داعش در اروپا بیش از سایر قاره‌ها است؟ دو عامل می‌توان برای این مسأله در نظر گرفت یکی اینکه آنها بیشتر و پوشیده‌تر از هر جا و مکانی در این قاره و در دل شرکت‌ها و کارخانه‌ها نفر و نیرو پیدا کرده و آنها را شست‌وشوی مغزی داده و آماده انجام مأموریت‌های دیوانه وار خود کرده‌اند و دوم اینکه اروپایی‌ها با وجود تمام ادعاهایشان در زمینه ایمن بودن، ولنگارترین سیستم‌های امنیتی را دارند که القاعده و داعش دو دهه‌ای است، صبح و شب در آن نفوذ می‌کنند و هیچ‌کس هم آنها را نمی‌یابد. اینها به ما می‌گویند داعش بعد از شکست‌های عظیمش در آسیا اهداف خود را لااقل در اروپا عوض نکرده و برعکس آنها را وسعت هم خواهد بخشید تا به‌نظر برسد زنده‌تر از هر زمانی است و خیال رفتن هم ندارد.

منبع: ایران